

## انترناسیونال

۲۷

دوره دوم

جمعه، ۱ خرداد ۱۳۸۳

۲۱ مه ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

## به استقبال ۱۸ تیر برویم! زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

صفحه ۴

فدرالیسم  
طرحی برای جنگ داخلی

سیاوش دانشور

نفرت ملی و تمایلات عهد  
عتیقی قوم پرستانه جایی و ریشه  
ای در میان مردم ندارد. مردم  
ایران مانند بقیه مردم دنیا، تلاش  
میکند وارد دنیای شونند که  
امروز "دهکده جهانی" نام گرفته  
است. آرزوی شان این نیست که به

صفحه ۲

تاریخی است، برای حل این  
موضوع اگر فراندومی امروز  
برگزار شود، مردم نه به جدائی  
کردستان بلکه اکثریت عظیمی به  
ماندن و زندگی در چهارچوب  
ایران بعنوان شهروندان متساوی  
الحقوق با بقیه مردم ایران و  
برخورداری از شرایطی برابر برای  
همگان رای خواهند داد. کینه و

روبرو نیست. چند محفل قوم  
پرست اینجا و آنجا هیچ چیز  
راجع به واقعیات سیاسی و  
ابژکتیو جامعه ایران نمیگوید.  
بجز استثنای مسئله کرد چنین  
وضعیت تعمیم یافته ای در ایران  
وجود خارجی ندارد. حتی در  
کردستان که جنبش برای رفع ستم  
ملی یک مسئله پیشینه دار و

آیا در جامعه ایران "اقوام" و  
"ملیتها" به جان هم افتاده اند؟ آیا  
خصومت و تنش تا آن حد بالا  
گرفته که به یک معضل سیاسی  
لاینحل تبدیل شده و امکان  
همزیستی شهروندان را سلب کرده  
است؟ آیا مردم میگویند دلیل  
اسارت ما اینست که به "ترک" و  
"کرد" و "بلوچ" و "فارس" و "عرب"  
تقسیم نشده ایم؟ اگر از اکثریت  
عظیم مردم ایران این سوالها را  
پرسید فکر میکنند که از کره  
دیگری آمدید. چون چنین تمایلی  
در جامعه امروز ایران ولو حاشیه  
ای ریشه ای ندارد. حقیقت اینست  
که جامعه ایران با معضل تضاد و  
تناقض و تنش قومی و ملی

ستون اول حمید تقوائی

۳۰ خرداد و ۱۸ تیر:  
مرگ یک انقلاب و  
تولد انقلابی دیگر

به ۳۰ خرداد و ۱۸ تیر نزدیک میشویم. دو  
روز تعیین کننده و دو نقطه عطف در تاریخ  
جمهوری اسلامی. دو روزی که در برابر  
یکدیگر قرار گرفته اند: یکی بعنوان نقطه  
آغاز سرکوب و سلطه جهانی رژیم و دیگری  
بعنوان روز خیزش توده ای و قیام مردم علیه  
رژیم سرکوبگر اسلامی.

۳۰ خرداد ۶۰ مقطع تشبیهت سلطه  
جهنی جمهوری اسلامی بود. رژیمی که در  
بهمن ۵۷ تحت نام انقلاب بقدت سیده بود  
رسالت و فلسفه وجودی بجز سرکوب تمام و  
کمال انقلاب عظیم مردم نداشت. آنچه رژیم  
شاه نتوانست انجام دهد، ضد انقلاب تازه  
بقدت رسیده میبایست به فرجام میرساند.  
و این کاری نبود که ارتجاع اسلامی یکتبیه  
بتواند انجام دهد. بیش از دو سال پر تحول  
و کشمکش میان مردم و رژیم وقت لازم بود  
تا ضد انقلاب حاکم بالاخره بتواند در انجام  
ماموریت و نقش ضد انقلابی موفق شود.

قیام بهمن که علیرغم میل و تلاشهای  
ضد انقلابیون اسلامی شکل گرفت، نقطه  
پایان انقلاب و مبارزات گسترده مردم  
نمود، مقطع تغییر شکل و هدف آن از  
مقابله با رژیم شاه به اعتراض به رژیم  
اسلامی تازه بقدت خزیده بود. جامعه  
انقلابی که رژیم شاه را جارو کرده بود، تحقق  
خواستها و شعارهای انقلابی خود را طلب  
میکرد و سد رژیم ارتجاعی تازه را در برابر  
خود میبافت. نیروهایی که به انقلاب شکل  
داده بودند و با انقلاب نیرو گرفته بودند،  
بزودی دریافتند که رژیم اسلامی نه تنها  
نماینده خواستها و اهداف آنان نیست، بلکه

صفحه ۳

شارون: رگورد دار  
جنایت علیه فلسطینیان

کاظم نیکخواه

راستی اسرائیل را یک بار دیگر به  
همه مردم جهان نشان داد و خشم  
و نفرت وسیع و جهانی را علیه  
این حکومت برانگیخت. حتی  
حکومت بوش که تاکنون از تمام  
توحش این حکومت دفاع کرده  
بود و حمله به فلسطینیان در  
الرفح را نیز بطور تلویحی مورد  
حمایت قرار داده بود، ناچار شد از  
این جنایت فاصله بگیرد. شورای  
امنیت سازمان ملل این جنایت و

صفحه ۳

شدگان و زخمی ها تعداد زیادی  
کودک وجود دارند. روز چهارشنبه  
این هفته هلیکوپترهای اسرائیلی  
صف هزاران نفره مردمی که از  
"الرفح" به طرف منطقه ای بنام  
"تل السلطان" فرار میکردند را به  
رگبار و موشک بستند و حد اقل  
۲۰ نفر از مردم را کشتند و بیش  
از ۶۰ نفر را زخمی کردند. بگلوله  
بستن مردم بی سلاح و بی دفاعی  
که از جنگ و کشتار الرفح  
میخواستند خود را نجات دهند،  
اوج جنایتکاری حکومت دست

ارتش اسرائیل تهاجم همه جانبه  
ای را از روز سه شنبه گذشته به  
شهرک الرفح در نوار غزه در  
تزدیکی مرز مصر به اجرا گذاشته  
است. تانکها و هلیکوپترها و  
توپها و بمبها بخشهای زیادی از  
این منطقه پناهنده نشین و خانه  
ها و سرپناههای فلسطینیان را با  
خاک یکسان کرده اند. در این  
تهاجم بین ۴۰ تا ۷۰ نفر از  
ساکنین این شهر طی سه روز  
گذشته کشته شده اند و صدها تن  
زخمی شده اند. در میان کشته

هفته  
منصور  
حکمت۱۲ - ۵  
ژوئن  
۲۰۰۴

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ فدرالیسم طرحی برای جنگ داخلی

"ملت‌ها" و "قومها" تقسیم شوند، دور خودشان زنجیر بکشند، قوم و نژادشان را برجسته کنند، آداب و رسوم متفاوتی داشته باشند، و با گزرمه و ژاندارم مرزی، شناسنامه و گروه خون "غریبه‌ها" را چک کنند! می‌خواهند مثل بشر آزاد و برابر زندگی کنند.

اما بی‌ریشه بودن این تمایلات باعث نشده است که کدخداهای خودگمارده "قومها" از هر سو دکانی سیاسی بنام "قوم" و "ملت خودی" باز نکنند. ناگهان کسانی برای اولین بار ظهور می‌کنند که بعنوان "نماینده" مردم "عرب" و "بلوچ" و "کرد" و "آذری" اندر باب "حقوق قومی" شان با "نماینده مردم فارس" جدل می‌کنند! کسی نمیداند این "نماینده‌گی" را چه کسی به این حضرات تازه از زیر ابر بیرون آمده اعطا کرده است؟ قوم پرستان تنها نماینده خودشان هستند و نه هیچ کس دیگر که برحسب اتفاق محل تولدش با اینان یکی است. عظمت طلبان تنها نماینده شوینیم و نژاد پرستی سازمانها و شخصیت‌های جنبش ناسیونالیسم محافظه کار هستند نه مردمی که به فارسی تکلم می‌کنند. قوم پرست بودن و عظمت طلب بودن، برخلاف میل بی‌بی سی و جمهوریخواهان، کسی را نماینده مردم نمی‌کند. در ایران حزب دمکرات کردستان را بعنوان یک جریان ناسیونالیست کرد و خودمختاری طلب می‌شناسند. اما "جنبش متحد بلوچستان"، "جنبش خلق عرب و آزادی الاحواز"، "جنبش آذربایجان و گرگهای خاکستری" و "سازمان زحمتکشان"، دقیقاً بخاطر اینکه موضوعیت اجتماعی ندارند و محصول تمایلی تاریخی و مادی در سیاست ایران نیستند، دست ساز هستند. اینها جریان سیاسی نیستند. ورژن آزمایشگاهی امثال "ارتش آزادیبخش کوسوو" و نیروهای مانند "یونیتا" و "کنترا" و "جیش‌المهدی" هستند. جریاناتی که هر کس پول و اسلحه شان را تامین کند، بویژه در دوره هائی که افق سیاسی جامعه مغشوش است، میتوانند باندازه کافی مایه دردسر مردم متمدن و طبقه کارگر باشند. تنها "هنر" اینها بعنوان نیروهای ضد مدنیّت، ضد زن، ضد کارگر،

## فدالیسم دوره جدید

ضد پیشرفت و ترقیخواهی، و بعنوان نیروهای فالانژ و ضد جامعه، تحریک قومی و ملی و زمینه سازی برای راه انداختن جنگ همسایه با همسایه است.

ایرانی است. شعار این جریان روشن است: "چو ایران میباشد تن من مباد!" و این "ایران" یعنی "تمامیت ارضی ایران" نه اینکه مردم ساکن ایران چگونه زندگی میکنند. این جریان حاضر است هر جنایتی برای حفظ "تمامیت ارضی" بکند و در سابقه کم ندارد. معضل نیروهای این کمپ از جمله سلطنت طلبان و جمهوریخواهان آواره نزدیک به آنها نیست که به مسئله کرد چه پاسخی بدهند. در مقابل، حزب دمکرات کردستان ایران بخاطر مهر "تجزیه طلب" نخوردن و در عین حال پیشبرد شعار "خودمختاری کردستان"، با مانع "تمامیت ارضی" روبرو است. فدرالیسم را ایندو ارتجاع ناسیونالیستی ساخته اند. فرمولی است برای معامله و رفع نگرانی دو طرف. ربطی به مردم ندارد. سناریو اینست که عظمت طلبهای "فارس" در قدرت مرکزی اند و حزب دمکرات به "نماینده‌گی کردها" در قدرت محلی و خود مختار کردستان. "تجزیه" هم صورت نگرفته است. اما بلافاصله سوال دوم پیش می‌آید خوب اگر کردستان خودمختار باشد، آذربایجان و بلوچستان و غیره چرا نباشد؟ این مشکل را با تعمیم "حقوق و قدرت قومی و مذهبی" و بقول خودشان "عدم تمرکز" پاسخ میدهند. حالا اگر کسی مشکلی با همسایه اش ندارد باید پیدا کند و اگر عرق ملی و قومی ندارد باید فکری بحال خود بکند! حکومت فدرال یعنی تشکیل "مملکت عربستان (خوزستان کنونی)، مملکت خراسان، مملکت بلوچستان، مملکت آذربایجان، مملکت کردستان" و... بشمارید. این یعنی برسر حدود و ثغور "مالک جدید"، برسر تقسیم مناطق، شهرها و حتی محلات، و برسر هر کوه و تپه، دعوا و ادعای ارضی وجود دارد و باید بیست سال دیگر مردم زیر پرچم مقتدا صدها و میلسوسیج های ایران بجان هم بیافتند. یعنی سازماندهی پاکسازی قومی. منطق فدرالیستها اینست که بنا به تعریف جامعه ایران از "اقلیتها" و "پیروان مذاهب" و "قومیت‌ها" تشکیل شده است. از طرف دیگر برای جلب ناسیونالیستهای افراطی و آریائی باید راهی برای تفاهم "اقلیتها" و "قومیتها" و مذاهب" در چهارچوب "تمامیت ارضی" پیدا کنند. از این

نسخه "دمکراتیک" بلافاصله ارتجاع فدرالیسم قومی و اختیارات محلی سران قومی و مذهبی عروج میکند. این نسخه عراقیزه کردن ایران و مبنای جنگ داخلی و کشتارها و کشمکشهای قومی و مذهبی دامنه داری است که شروع آن در ایران به فاجعه ای ختم خواهد شد که فجایع یوگسلاوی سابق در مقایسه با آن هیچ محسوب میشود. کسانی که قادر نیستند حقوق و آزادی و برابری مردم را مستقل از تعلقشان به مذهب و ملیت و قومیت تعریف کنند و فکر میکنند "گسترش دمکراسی" و "عدم تمرکز" و همزمان حفظ "تمامیت ارضی" از مجرای کرد و بلوچ و ترک و عرب و فارس کردن مردم میگذرد، تنها دارند بی مسئولیتی سیاسی و ناتوانی شان از حل معضلات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را بنمایش میگذارند. فدرالیسم شعاری ارتجاعی است که با علم و کتلت "دمکراسی" قومپرستی و جنگ داخلی را تبلیغ میکند. اخیراً در لندن قومپرست‌ها سمیناری گذاشتند و این رویاهای سیاه را بعنوان "نقش اقوام ایرانی در استقرار دمکراسی" مرور کردند. تصور کنید اگر اینها فردا دستشان به کوره دهاتی بند باشد چه برسر مردم می‌آوردند.

## نقش کمونیسم کارگری

انقلاب و افق تغییر رادیکال جامعه که پرچم جنبش و حزب کمونیست کارگری است، پوسته مرزهای تصنعی و هویت‌های کاذب ملی و قومی را کنار میزند. به جوهر انسانیت و هویت جهانشمول انسانها دست میبرد و نیروی اجتماعی و طبقاتی را برای تغییرات ریشه ای سازمان میدهد. الغای هر نوع ستم و تبعیض و استعمار نقطه عزیمت مادی و اجتماعی انقلاب است. در دوره انقلابی فرقه های قوم پرست بیش از پیش ایزوله و نامربوط میشوند اما خطر آنها منتفی نمیشود. اینها میتوانند گروههای ترور سفید ضد انقلاب و نیروهای باشند که وضع سابق را اعاده میکنند. در شرایط تسلط افق دست راستی و کودتا و سرکوب این نیروها مانند افغانستان و عراق به جان مردم می‌افتند. نگاهی به نیروهای نظم نوین در عراق و یوگسلاوی و افغانستان نشان میدهد که وقتی

قرار است آمریکا با جنگ و نابودی جامعه و کشتار مردم "دمکراسی" بیاورد، فدرالیستها و آخوندها و عشایر منقرض شده متحدین ثابت آن هستند. بویژه و با باز شدن افق انقلاب در ایران ارتجاع منطقه ای و بین المللی بسادگی میتواند در مقابل نیروی انقلاب همین دستجات قومپرست را تقویت مالی و نظامی بکند و بجان مردم بیاندازد. تمام هدف همین جریانات هم اینست که در این بازی دخیل شوند. مقابله با فدرالیسم جزئی از مقابله با افقهای دست راستی در جامعه برای پیروزی انقلاب رهاییبخش کارگری است. آنچه امروز لازم است هوشیاری در باره محتوای ارتجاعی و ضد کارگری این شعار است. مقابله با طرح جنگ قومی و آمادگی بالای مردم برای مقابله با دستجات قومپرست است که هر جنایتی از دستشان برمی‌آید. ظرفیتهای باند سیاهی این فرقه‌ها را مطلقاً نباید دست کم گرفت. افشا و منزوی کردن فدرالیسم، مقابله با سیاستهایی که کارگران و مردم محروم را بر اساس قومیتشان در مقابل هم قرار میدهد، افشای بند و بست‌ها و تلاشهایی که از موزه های تاریخ نبش قبر میکند و هویت قومی و "رهبر" قومپرست برای مردم میتراشد، برسیمت نشناختن فرقه های دست سازی که بعنوان "نماینده مردم" دکان سیاسی باز کرده اند، و در عین حال تاکید بر همسرنوشتی کارگران و مردم محروم برای امر آزادی و برابری و لغو هر نوع ستم و استعمار، کار جنبش آزادیخواهانه کمونیسم کارگری است. مقابله همه جانبه در هر شرایطی با این منادیان ترور و تخریب و فاشیسم یک وظیفه تعطیل ناپذیر جنبش آزادی و برابری است.

## ماهیت فدرالیسم

فدرالیسم یک خط سناریوی سیاهی است و طرفداران فدرالیسم ماهیتا نیروهای سناریوی سیاه هستند. اینها میخواهند کارگر نفت منبععد بجای تاکید بر هویت انسانی و طبقاتی اش و همسرنوشتی با بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران و جهان، به اهواز بگوید الاحواز! و یا کارگر خباز و صنعتی در کردستان

## از صفحه ۱

## ستون اول

در مقابل آنهاست. کارگرانی که در سطح وسیعی در شوراها متشکل شده بودند و در بسیاری از کارخانه ها کنترل تولید را بدست گرفته بودند، برای حفظ شوراها و قدرت متشکل خود رو در روی رژیم قرا گرفتند. زنان در اعتراض به حجاب اجباری به خیابانها ریختند، ناشرین و ارباب جراید و کلا جامعه ای که پس از یک دوره طولانی اختناق سلطنتی آزادی مطبوعات و انتشارات را تجربه میکرد، در برابر حکومت ارتجاع جدید که علم سیاه کتابسوزان و توقیف و تعطیل روزنامه ها و ادبیات چپ را بلند کرده بود دست به مقاومت و تعرض زدند. دانشجویان و جنبش دانشجویی که حیظه نفوذ و فعالیت سازمانهای چپ و کمونیستی بودند، در صف مقدم مقابله با هجوم رژیم به آزادیها و دستاوردهای حاصل از انقلاب قرار گرفتند، جنبش آزادیخواهی در کردستان تمام قد در برابر ارتجاع حکومت مرکزی ایستاد و آنرا به مصاف طلبید؛ در یک کلام انقلاب زنده بود و سر باز ایستادن نداشت.

۳۰ خرداد ۶۰ روزی بود که رژیم ارتجاعی حاکم آخرین انقلابی نمائی و مردم پناهی های خودش را به کناری گذاشت و با تمام قدرت پلیسی و نظامی، با کمبسته ها و پاسداران و حزب الهی هایش، رسماً و علناً در برابر مردم قرار گرفت. ۳۰ خرداد روز دستگیریهای وسیع خیابانی و آغاز یورش وسیع و وحشیانه رژیم به نیروها و سازمانهای چپ و کلا به هر نیروی مخالف خود بود. ارتجاع حاکم قادر شد بالاخره پس از دو سال انقلاب ۵۷ را به خاک و خون بکشد و دستاوردهای این انقلاب عظیم را یکی پس از دیگری باز پس بگیرد. ۳۰ خرداد بعنوان یک روز سیاه جنایت و توحش رژیم اسلامی در تاریخ و ذهن جامعه ایران ثبت شده است.

با اینهمه علیرغم بکارگیری چنایتکارانه ترین روشها علیه مردم، رژیم اسلامی هیچگاه نتوانست اعتراضات کارگران و مردم آزادیخواه را تماماً به عقب براند و جامعه ای نظیر گورستان آریامهری در ایران بوجود آورد.

## از صفحه ۲ فدرالیسم طرحی برای جنگ داخلی

بجای برافراشتن پرچم آزادی بر "کرد بودنش" تاکید کند! جنگ "سنی" و "شیعه" راه بیاندازند و "ترك" را در مقابل "ارمنی" و همسایه را در مقابل همسایه قرار دهند. اما ماهیت سناریوی سیاهی این نیروها ضرورتاً شریان را در دوره انقلابی کم نمیکند. میشود با پول ترکیه و عربستان و قوم پرستان عراق مانند طالبانی، گروههای مسلح و گانگستر قومی از قبیل باند زحمتکشان، گرگهای خاکستری و ارتش کانیبال راه انداخت. تروریزه کردن محل زندگی مردم، دامن زدن به نفرت قومی، و سوی دماغ شدن مدنیت و جنبش رادیکال و آزادیخواهانه ضرورتاً تابعی از شرایط اجتماعی و سیاسی نمیشود. همانطور که یونیتا و کنتررا و ارتش آزادیبخش کوسو با پول و اسلحه سرهم بندی شدند. فدرالیستها حتی طرفدار حل ستم ملی هم نیستند. میخواهند آگاهانه تضاد قومی و ملی را ابدی کنند. در ایران مسئله مشخصی مانند مسئله کرد را باید بشیوه متمدنانه و برگزاری فرماندوم

با سوال یا جدائی و تشکیل دولت مستقل و یا ماندن در چهارچوب ایران با حقوق متساوی داد. این راه حل سیاسی ما به این معضل تاریخی است. اما ناسیونالیستها و قوم پرستان نمیخواهند معضل را حل کنند، میخواهند با حق ویژه، یعنی خودمختاری و اختیارات محلی نسبت به دیگران بمانند! میخواهند سیاست تحول ارتجاعی انسانیت به قوم پرستی را به کل جامعه تسری دهند. قرار است انسان انسان نباشد، "ترك" و فارس و کرد و بلوچ" باشد، همینطور به دنیا بیاید و همینطور زندگی کند، اگر در جنگ قومی کشته نشد همینطور هم بمیرد. اما مردم ساکن کردستان امروز پیشروترین نمونه ها را در دفاع از حقوق جهانشمول کودک، در دفاع از حقوق زنان و در دفاع از آزادی و برابری بدست میدهند.

برخی فدرالیستها زیر فشار ما میگویند فدرالیسم یعنی مثل آلمان، مثل سوئیس! اینها خود را به نفهمی میزنند که مبنای فدرالیسم در برخی کشورهای اروپائی قومیت

## از صفحه ۱ شارون رکورد دار جنایت علیه فلسطینیان

کل تهاجم به الرفح را محکوم کرد و طی قطعنامه ای از دولت اسرائیل خواست که نیروهایش را از نوار غزه بیرون بکشد.

دولت شارون که راست ترین و فاشیستی ترین جناح حزب دست راستی لیکود را تشکیل میدهد، نشان داده است که آشکارا بدنبال حفظ فضای جنگی و میلیتاریستی است. این حکومت بارها تلاشهای صلح توسط احزاب و طرفهای درگیر در تخصیص خاورمیانه را نقش بر آب کرده است. این حکومت و شخص شارون که سابقه طولانی ای در جنایت علیه فلسطینیان دارد، پیش شرط حضور خویش در صحنه سیاسی منطقه را در این می بیند که مدام نفرت و تخاصم قومی و مذهبی و ملی را شعله ور نگه دارد و در میان آتش و دود و نفرت و جنگ، بازیگر اصلی صحنه سیاسی بماند. در این سیاست از حمایت کامل سوداگران اسلحه و مونوپولی های نظامی آمریکائی و در راس آنها حکومت جرج بوش نیز

برخوردار است. حکومت شارون آنچنان در زمینه جنگ طلبی و جنایت زیاده روی کرده است که در درون خود حزب دست راستی لیکود نیز شکاف عمیقی را دامن زده است. جنایت و توحش و نظامیگری حکومت اسرائیل زمینه مناسبی را برای رشد و میدانداری جریانات تروریستی اسلامی نظیر حماس و حزب الله و امثال آنها فراهم کرده است و اینها نیز هر روز موجی از جنایات و خونریزیهای وحشیانه را علیه کودک و مرد و زن اسرائیلی سازمان میدهند و به اجرا میگذارند. يك مسابقه تمام عیار خشونت و جنایت در منطقه بار دیگر اوج گرفته است.

بخش وسیعی از مردم اسرائیل با لمس نتایج خونبار سیاستهای میلیتاریستی حکومت دست راستی اسرائیل از این سیاستها به خشم آمده اند و دو هفته پیش با يك تظاهرات عظیم که بیش از صد هزار نفر در آن شرکت داشتند، خواهان پایان دادن به سیاست اشغال مناطق

و مذهب نبوده و نیست. این موارد بروشنی در مقابل چشم همگان است و ساختار سیاسی و اداری و کشور طبق طرح قومپرستان ایرانی سازماندهی نشده است. در اینمورد میتوان تاریخی و تفصیلی حرف زد. این مثالها بیربط اند. مدل اینها یوگسلاوی و عراق و لویه جرگه افغانستان است. خوانین و نمایندگان خودگمارده ای که با زور اسلحه و بسیج عده ای اوباش جانی کدخدا هستند و مردم باید شاکر باشند که از نواده شیر و پلنگ و خون آریائی و این مزخرفات هستند. این سناریو بوی خون و آتش و قساوت نژادی میدهد. جامعه انسانی مانند بدن انسان است. هر آن میتواند آلوده به ویروس شود. هر آن میتواند تخریب و فلج شود. فدرالیسم و قوم پرستی که امروز عده ای دارند در اپوزیسیون ایران باد میزنند، يك ویروس خطرناک است. طبقه کارگر و جنبش آزادیخواه برای جلوگیری از آلوده شدن جامعه به این ویروس، باید در مقابل تعصبات و جهالت ملی و قومی واکنیسه باشد. راه آن مقابله ای قاطع با هر حرکت ارتجاعی و واپسگرا است. \*

فلسطینی و مسابقه کشتار شدند. نباید فراموش کرد که یک تازی نیروهای فاشیستی و در راس آن حاکم شدن سیاستهای میلیتاریستی و نوکسنرواتیستی در آمریکا امکان پذیر نمیبود. جناحهای حاکم اسرائیل همیشه از آشخور حمایت هیئت حاکمه آمریکا برخوردار بوده اند، اما در سالهای اخیر با حاکم شدن نوکسنرواتیستها در آمریکا و سیاست تجاوزگری و قلدری نظامی دولت این کشور، فاشیستی ترین جناحهای حاکم اسرائیل صحنه گردان سیاست این کشور شده اند و دست بازتر و بازتری در جنگ افروزی پیدا کرده اند. شارون عملاً بعنوان يك چهره بارز نظم نوین آمریکائی شناخته میشود. و بدون تردید بدون شکست کامل سیاست نظم نوینی آمریکا در خاورمیانه نمیتوان چندان به فروکش کردن فضای گسترده جنگ و جنایت در اسرائیل و فلسطین امیدوار بود. جهان متمدن باید علیه کل طرفهای این مسابقه جنایت و کشتار، فعالانه به میدان آید. \*

## به استقبال ۱۸ تیر برویم!

### زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

دانشجویان و جوانان محروم و معترض است. این روز همه مردم آزادیخواه و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است. باید ابتکار عمل را در خیابان و دانشگاه و کارخانه بدست گرفت و ارتجاع را از هر سو منزوی کرد. به استقبال ۱۸ تیر برویم. ما اکثریت مردم شریف و محروم جامعه ایران این وضعیت را نمیخواهیم. خواست همه ما یکی است: ما سرنگونی حکومت اسلامی و آزادی و برابری میخواهیم! هیجده تیر در داخل و خارج پرچم آزادی و برابری را برافرازیم! خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی شویم. جنایت خاتون آباد و شهرباک را محکوم کنیم. از آزادی بیقید و شرط بیان و تجمع و تحزب دفاع کنیم! خواهان لغو مجازات اعدام شویم! برابری زن و مرد را فریاد بنزیم! علیه کل ارتجاع حکومتی و موثلفین اش پیاخیزیم و اعلام کنیم زنده باد جامعه ای انسانی، آزاد و برابر برای همگان! زنده باد آزادی زنده باد برابری.

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۳ - ۱۹ مه ۲۰۰۴

لاهیجان، شاهین شهر و کامیاران از یکطرف و از طرف دیگر اعتصابات و تظاهراتهای کارگری که با تپش منظم و قدرتی گسترده تر در تمام طول سال در جریان بوده است، اجتماعات و تحصن های سراسری معلمان، اعتراضات پرستاران، اعتراضات مداوم دانشجویی، اعتراض زنان و جوانان به آپارتاید جنسی، جنبش نفی قوانین اسلامی و بالاخره برگزاری مراسم های اول مه و اعتراض شکوهمند جهانی برای آزادی دستگیرشدگان اول مه سقز، فضای سیاسی یکسال گذشته جامعه ایران را تشکیل داده اند. اینها حلقه هائی از يك جنبش واحد آزادیخواهانه اند که بیست خرداد و هیجده تیر سال گذشته را به امروز وصل میکنند. امسال نیروئی به مراتب وسیعتر میتواند به میدان بیاید.

۱۸ تیر در راه است. این روز همه مردم معترض است. روز کارگران پتروشیمی و ایران خودرو و شهرباک است. روز کارگران بیکار است. روز زنان معترض است. روز معلمان و پرستاران است. روز مردم بم و ایذه و کامیاران و شاهین شهر است. روز

اعتراضات و اجتماعات بیست خرداد تا هیجده تیر سال گذشته، که به "انقلاب شبانه" معروف شد، نگاههای جهان را بطرف ایران برگرداند. همه فهمیدند که ظرفیتهای جنبش انقلابی برای سرنگونی ارتجاع سیاسی در ایران، و شور و رادیکالیسم جوانان برای نفی وضع موجود عظیم است. همه فهمیدند که رژیم و جناحهایش در کنترل و به خانه فرستادن مردم شکست خورده اند. و از همه مهمتر، نگاهها را به جوهر این اعتراضات یعنی پرچم و خواست آزادی و برابری برگرداند. در خارج از ایران در شهرهای مختلف جهان بزرگترین اجتماعات ایرانیان با شعار آزادی و برابری سازمان داده شد. به موازات این پیشروی توهمات دست راستی "بعد از عراق نوبت ایران است" و شعارهای بی ربطی مانند "رفراندم و مقاومت مدنی"، در خیابانها نقد و به کناری انداخته شد. از سال گذشته تا امروز، جنبش سرنگونی گامهای بیشتری به جلو برداشته و بی وقفه در تب و تاب بوده است. اعتراضات توده ای و قیامهای شهری در ایذه، سمیرم، اصفهان، میروان، بانه، دماوند، فریدون کنار،

هفته  
منصور  
حکمت

۱۲ - ۵  
ژوئن  
۲۰۰۴



در آستانه پنجاه و سومین سالگرد تولد منصور حکمت و در گرامیداشت زندگی کوتاه و پربار بزرگترین متفکر مارکسیست معاصر

**تورنتو:** شنبه ۵ ژوئن، ساعت ۶:۳۰ عصر

دانشگاه تورنتو، ۱۰ کینگز کالج سالن ۱۱۰۵

**سخنران:** حمید تقوایی

\*\*\*\*\*

**لندن:** یکشنبه ۶ ژوئن

سمینار یکروزه انجمن مارکس حکمت - لندن

### برنامه سمینار

۱۱ صبح:	معرفی برنامه - کورش مدرسی
۱۱:۱۵	جایگاه کاپیتال مارکس - نمایش فیلم منصور حکمت
۱۲	نگاهی به آثار اخیر منصور حکمت - فاتح شیخ
۱۲:۳۰ - ۲	ناهار
۲	منصور حکمت و تجربه شوروی - کورش مدرسی
۲:۳۰	منصور حکمت و مساله زن - مینا احدی
۳ - ۳:۳۰	تنفس
۳:۳۰	کمونیسم منصور حکمت و قدرت سیاسی - رحمان حسین زاده
۴	"اساس سوسیالیسم انسان است" - آذر ماجدی

محل جلسه بعدا اعلام خواهد شد  
ورود برای عموم آزاد است

برای اطلاعات بیشتر با نسرين جلالی، مدیر اجرائی  
انجمن مارکس - حکمت لندن تماس بگیرید:

Tel: (+44) 07708 125993

Email: marxhekmatociety@ukonline.co.uk

http://www.marxsociety.com

اطلاعات مربوط به جلسات کشورهای دیگر  
در شماره بعدی انترناسیونال باطلاع خواهد رسید

## تلویزیون انترناسیونال

هر چهارشنبه با حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

\* چرا مردم ایران باید حزب کمونیست کارگری ایران را انتخاب کنند!

\* پاسخ به سئوالات شما

تماس:

ثریا شهابی

حمید تقوایی

soraya\_shahabi@yahoo.com hamid\_taqvaei@yahoo.com

Tel: 0044-798 134 3101

Tel: 0044-789 996 4294

سایت اینترنتی تلویزیون "کانال جدید" آغاز بکار کرد!

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!